

وضعیت نگارش تاریخ در میان زیدیان ایران (۳۲۲ هـ ق تا ۶۵۲ هـ ق)

دکتر سید میرحسین علامه*

چکیده

شکل‌گیری نگارش تاریخ زیدیان ایران، در حاشیه آثار فقهی و کلامی و در قالب تک‌نگاریهایی پیرامون تبیین قیام امامان زیدی به ظهور رسید. این نوع تاریخ‌نگاری، شخصیت محور و با سیطره نگاه کلامی به گذشته و تلفیقی از مکتب عراق و حجاز بود. سپس در زمان یحیی بن حسین رسی، گردش در تاریخ‌نگاری زیدیه یمن باعث شد شکل نگارش تاریخ زیدیان ایران به سیره‌نگاری متحول شود. این سیره‌نگاری که مرتبط با بحث‌های فقهی نگاشته می‌شد، تنها به حوادث بعد از امامت ائمه زیدیه می‌پرداخت. در چنین سیره‌نگاری و حتی طبقات نگاری که بعداً از تلفیق دو سنت سیره و تک‌نگاری شکل گرفت؛ یک نوع قومیت‌گرایی در تاریخ‌نگاری، مبتنی بر افضلیت امامان زیدی و همزمان نفی بقیه مکاتب از جمله امامیه قابل مشاهده است. در جنبه نفی تاریخ امامیه، می‌توان از: الدعامة، المحيط فی تثبی الامامه یا العقد الثمین فی تبیین الائمة الزیدیه نگارش یحیی بن حسین و عبدالله بن حمزه زیدی یاد کرد. بر این اساس بعید نیست وجود جریانات کلامی و ناپیوستگی در ذکر رویدادهای تاریخی، خصوصیت بارز طبقات نگاری زیدیه قلمداد شود که در کتاب‌های المصابیح و الافاده فی الائمة الساده نیز نمود یافته است از سویی دیگر، زیدیان ایران نیز بواسطه مهاجرت و انتقال آثار مکتوب، در تجدید حیات تاریخی زیدیان یمن موثر گشتند. نظرات برخی از مستشرقین در این راستا قابل بررسی است.

واژه‌های کلیدی

تاریخ‌نگاری، زیدیان، ایران، تاریخ نویسی، امامیه، یمن.

* استادیار دانشگاه هنر اصفهان s.m.h.alameh@au.ac.ir

مقدمه

جستار حاضر کوششی است برای پاسخ به این سوال که سیر تحول و شکل‌گیری تاریخ زیدیه چگونه بوده است؟ آیا سیره‌نگاری زیدیه بر زیدیان ایران نیز تاثیر گذاشته است؟ طبقات نگاری زیدیه چه خصوصیتی دارد؟ آیا مورخین و دانشمندان زیدی ایرانی در یمن نیز تاثیری داشته‌اند؟

قیام زید بن علی همچون دیگر خیزش‌های علویان، در اواخر حکومت امویان روی داده بود (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵: ۱۶۵) و داعیان عباسی توانستند از این قیام‌ها به عنوان ابزاری جهت تهییج مکرر احساسات فراگیر بر ضد امویان بهره‌برند (حسن، ۱۴۲۱: ۱۴۶).

عباسیان با گسترش مفهوم موسّع از اهل بیت پیامبر (ص)، امکان انتفاع سیاسی از ماجرای زید را برای خود فراهم آوردند. تغییر نظریه پیرامون مبحث مشروعیت حکومت عباسیان و اجبار مورخان در حذف برخی از اخبار مبنی بر بیعت عباسیان با سادات علوی بعد از قیام نفس زکیه، در زمان منصور روی می‌دهد.

انتظار می‌رفت که با جایگزینی و حکومت عباسیان به جای امویان، ظلم بر علویان، رو به کاهش گذارد. اما در دوره اول عباسیان^۱ (۱۳۲ تا ۲۳۲ مرگ واثق) سه قیام عمده علویان روی داد. قیام محمد بن عبدالله نفس زکیه (رجب-رمضان ۱۴۵هـ) و قیام ابراهیم بن عبدالله برادرش در بصره (رمضان- ذوالقعدة ۱۴۵) و نهایتاً قیام حسین بن علی (ذوالقعدة- ذوالحجه ۱۶۹) که با شدت سرکوب شد (زعین العانی، ۱۴۰۳: ۲۲۵) البته قیام علویان تا اوایل عصر دوم عباسی قابل مشاهده است.

قیام به عنوان اصل مشروعیت بخش زیدیه مورد توجه عالمان زیدی قرار داشت، لذا طبیعی بود که از قیام‌های علویان نیز به عنوان رویه و سنتی صحیح، به نفع خودشان بهره‌برداری کنند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵: ۲۰۰؛ اشعری

۱۴۰۰: ۷۶-۷۵). دقت در نگارش‌های همزمان تاریخی سادات علوی پیرامون این قیام‌ها، نظیر آنچه عبدالله بن ابراهیم پیرامون مقتل محمد بن عبدالله و مقتل صاحب فخر تالیف کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۱۶)، نظریه برخی از مستشرقین در نفی سنت مکتوب و جریان عام انتقال سنت شفاهی در قرن اول و دوم هجری بین علویان را (Cook, 1997: 437, Berg, 2000: 64) مورد تردید قرار می‌دهد. اکنون از تالیف اول عبدالله بن ابراهیم، متنی در ضمن کافی (کلینی، ۱۳۶۵: ۱/۳۵۹) و دومی نیز از طریق اخبار فخر احمد بن سهل رازی (رازی، ۱۹۹۵: ۵۶) قابل دسترسی است.

از بین مورخان مدنی اخبار المدینه عمر بن شَبّه (م ۲۶۳هـ) در بخش‌هایی که از آن باقیمانده به آثار مکتوب عبدالله بن ابراهیم اشاره دارد (ابن شَبّه، ۱۴۱۰: ج ۴، ۲۷۳). احمد بن سهل رازی نیز گزارش‌ها تاریخی این قیام‌ها را از طریق حسن بن عبد الواحد کوفی به آثار مکتوب عبدالله بن ابراهیم مستند می‌سازد و ارجاع مقاتل الطالبيين ابوالفرج اصفهانی گزارش قیام‌های نفس زکیه و صاحب فخر را معطوف به همین حسن بن عبدالوهاب کوفی نقل می‌کند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵: ۱۳۲). این یکی از نشانه‌هایی است که عالمان زیدی در نگارش تاریخ، متأثر از مکتب عراقی بوده‌اند که خود این مکتب از بن مایه‌های نحله حجاز استفاده کرده است.

حجم گزارش‌های کوفی نشان می‌دهد، به همان میزان که به قیام زید بن علی پرداخته به دیگر قیام‌های علویان همچون نفس زکیه و ابراهیم و قیام صاحب فخر و ابوالسرایا اهمیت داده است. کما اینکه احمد بن سهل رازی نیز تک‌نگاری‌هایی با عنوان اخبار فخر و خبر یحیی بن عبدالله و برادرش به رشته تحریر در آورده است (مدرسی، ۱۳۷۴: ۲۰۳). رازی علاوه بر بهره‌گیری از منابع مکتوب پیش از خود، مثل خروج صاحب فخر

آثار فقهی السیر زیدیه، که در محافل زیدی کوفی رواج داشته یا کتاب فقهی الجامع الکافی نوشته محمد بن علی کوفی با رویکرد فقهی - تاریخی (فواد، ۱۴۰۲: ۱۳۷)، نظریه برخی از محققین در خصوص آغاز سنت سیره نگاری و وجود نداشتن شرح حال نگاری زیدیه قبل از سیره الهادی الی الحق (رحمتی، ۱۳۸۴: ۵۲) را مورد تردید قرار دهد. سیره الهادی الی الحق یحیی بن حسین الرسی از علی بن محمد بن عبید الله که در سال ۲۸۰ هجری در پی ورود یحیی بن حسین به یمن به نگارش در آمده، سنت شرح حال نگاری را بارز می سازد. بعید نیست با مقایسه حجم کتاب ابوجعفر محمد بن سلیمان صحابه یحیی بن حسین تحت عنوان سیره امام الهدی کتاب الصدق سیره الهادی علی بن محمد بن عبید الله (فواد، ۱۴۰۲: ۸۳)، به این نتیجه برسیم که دومی اثر مستقلی نبوده و استنساخ از اولی باشد. ساختار نگارشی این نوع آثار، حکایت از دلایل مشروعیت و ویژگی های خاص امامت و استحقاقات ائمه زیدیه (علی بن محمد، ۱۴۰۱: ۳۱) و تبیین احادیثی از پیامبر دال بر وعده ظهور امام زیدی قیام کننده (علی بن بلال، ۱۴۲۳: ۵۸۳) است.

همچنین سیر قرارگرفتن احادیث در مقدمه سیره الهادی، بر محوریت رد و نفی امامیه و امامت مبتنی بر قیام به سیف می باشد (علی بن محمد، ۱۴۰۱: ۲۸). در مقابل نیز، امامیه بر مسأله نص جلی و عدم حجیت اخبار واحد دانشمندان زیدی تاکید کرده است (انصاری، ۱۳۷۹: ۱۳۷). در مواردی بعدی مکتوب زیدیه، به اسناد و رسائل و نامه های حکومتی نیز احتجاج می شده چرا که گاهی کاتب رسمی امام زیدیه نویسنده سیره او بوده است (علی بن بلال، ۱۴۲۳: ۴۸۵). پس از کتاب علی بن محمد برای الهادی، نوعی نگارش نهادینه در سیره ائمه زیدیه قابل مشاهده است. سیره المرتضی محمد و الناصر احمد فرزندان یحیی بن

و مقتله عبدالله بن ابراهیم یا کتاب حسن بن عبدالواحد و عمر بن شبه از منابع شفاهی مثل محمد بن قاسم بن ابراهیم رسی و محمد بن منصور مرادی نیز بهره برداری نموده است. به غیر از دانشمندان زیدی، علی بن محمد مدائنی نیز با نگارش کتاب اخبار ابی طالب و ولده یا یحیی بن حسن عقیقی با نوشتن انساب آل ابی طالب، به قیام علویان پرداخته اند. کتاب اخیر الذکر از یحیی بن حسن، از جمله منابع واسطه ای ابوالفرج اصفهانی نیز هست و ابن طقطقی (م، ۷۰۹) در قرن هشتم با داشتن اصل نوشته یحیی بن حسن، آن را اولین سند مکتوب قیام ها می داند. عبارت او در کتاب (الاصیل فی انساب الطالبین) چنین است «اطن انه اول من جمع و صنف» (ابن طقطقی، ۱۴۱۸: ۳۰۷).

بررسی اسناد اثر جامع ابوالفرج علی بن حسین اصفهانی که تا سال ۳۱۳ هـ ق به قیام علویان پرداخته، نشان می دهد پنجاه و سه نفر از مشایخ گزارش های تاریخی او کوفی و ده درصد از کل گزارش ها، از منابع مستقیم علوی بوده اند. ابوالفرج از موارد مکتوبی نظیر: کتاب من شهد مع امیر المومنین ابن عقده، من قتل من الطالبین احمد بن حارث خراز، مقتل الحسین ابو مخنف لوط بن یحیی ازدی، اخبار صاحب فخر علی بن ابراهیم بهره برده است. البته نقل از احمد بن حارث خراز به صورت گزارش های مستقیم و تاریخ شفاهی نیز، صورت گرفته است (آذرنوش، ۱۳۷۳: ۶ / ۱۳۹).

تاثیر سیره نگاری بر زیدیان حاکم بر طبرستان ایران

نگارش شرح زندگانی امامان زیدیه تحت عنوان سیره، تحول شاخص سنت کوفه و حجاز است که همزمان با تسلط یحیی بن حسین رسی یا الهادی الی الحق (م) ۲۹۸ هـ ق) در پایان قرن سوم روی می دهد. دور از ذهن نیست که وجود شرح حال های تاریخی در حاشیه

حسین الهادی نیز توسط عبدالله بن عمر همدانی به رشته تحریر در می‌آید. بخش‌هایی از آن در کتاب مسلم بن محمد اللججی در خصوص سیره امام احمد بن یحیی قابل مشاهده است (اللججی، ۱۴۱۱: ۲۵۳). همچنین حسین بن احمد همدانی، سیره امام قاسم بن علی (فواد، ۱۴۰۲: ۸۴) را به نگارش در می‌آورد. زیدیان حاکم بر طبرستان ایران نیز از سنت سیره نگاری تأثیر پذیرفته‌اند. سیره امام زیدی ایرانی به نام سیره امام احمد بن حسین هارونی توسط یحیی بن حسین گرگانی، به رشته تحریر در می‌آید. همچنین عبدالله بن حسین در الافاده فی تاریخ الائمه الساده نیز سیره حسن بن علی ناصر اطروش حاکم ایرانی را نقل می‌نماید (یحیی بن حسین، ۱۴۲۲: ۱۱۸). به نظر می‌رسد هر چند متن سیره امام زیدی ایرانی احمد بن حسین هارونی را ویلفرد مادلونگ در کتاب اخبار ائمه زیدیه طبرستان، دیلمان و گیلان به عنوان پایه کتاب مورد استفاده قرار داده است (Madelung, ۱۹۸۷: ۱۲۴) اما بهره‌گیری از اطلاعات تاریخی حمید بن احمد، در الحدائق الوردیه فی مناقب ائمه الزیدیه (حمید بن احمد، ۱۴۲۳: ۸۷/۲) مطالب او را درباره سیره امامان زیدی ایرانی تکمیل خواهد کرد.

شکل و ساختار سیره‌نگاری زیدیه

قبل از سیره یحیی بن حسین الرّسی، ساختار سیره با فراوانی مباحث فقهی همچون نحوه معامله با کفار، تعاطی با مشرکان و چگونگی برخورد با اهل کتاب رواج داشت. به طور نمونه کتاب السیره منسوب به نفس زکیه که متن آن توسط ابو عبدالله محمد بن علی بن حسن بن عبدالرحمن کوفی علوی در کتاب الجامع الکافی آمده است (فواد، ۱۴۰۲: ۱۳۵) اما بررسی در هر دو اثر سیره که پیرامون یحیی بن حسین الرّسی نوشته

شده است یعنی سیره الهادی الی الحق یحیی بن حسین علیه وآله السلام از علی بن محمد بن عبیدالله و سیره امام الهدی و الصدق امیرالمومنین یحیی بن حسین از محمد بن سلیمان کوفی - هرچند تشابه مطالب، گمان استنساخ محمد بن سلیمان کوفی از اثر علی بن محمد بن عبیدالله را ایجاد می‌کند - از آن جهت شرح حال نویسی با رنگ کلامی شاخص ساختار سیره‌نگاری می‌گردد که هر دو نفر آنها از صحابه یحیی بن حسین هستند (علی بن محمد، ۱۴۰۱: ۳۳)

در شکل آثار سیره نویسی زیدیه، اصحاب امام زیدی می‌کوشند در آغاز شواهدی مبنی بر مشروعیت آن امام زیدی را در ضمن زندگانی او تبیین کنند و شاخص‌ها و خصوصیات از زندگی امام زیدی را مبنی بر مستحق بودن ذکر نام امام بر او مورد بحث قرار دهند. طبیعی است در مقدمه این سیره‌ها هم احادیثی ذکر می‌کنند که پیامبر اسلام در مورد ظهور آن امام زیدی پیشگویی کرده است به طور نمونه این دسته از احادیث نبوی بر پیشگویی پیامبر بر ظهور یحیی بن حسین در مقدمه سیره الهادی الی الحق قابل مشاهده است (علی بن محمد، ۱۴۰۱: ۲۹). منابعی هم که علی بن محمد بن عبیدالله در نگارش سیره الهادی الی الحق یحیی بن حسین استفاده می‌کند در درجه نخست و به طور عمده بر مشاهدات شخصی خودش از احوالات و رفتار امام زیدی و مشاهدات دیگر اصحاب امام زیدی نظیر ابو جعفر محمد بن سلیمان متکی است و برای نشان دادن شرح حال یحیی بن حسین در مقام مجری احکام فقهی به آراء فقهی زیدی از کتاب السیر والجهاد منتسب به نفس زکیه (علی بن بلال، ۱۴۲۳: ۵۸۵) متکی است و از احادیثی بهره می‌برد که احتمالاً در همان اوان ورود یحیی بن حسین به یمن در سال ۲۸۰ هجری به نفع امامت او از قول پیامبر جعل (فواد، ۱۴۰۲: ۱۱۲) شده است وجه دیگر سیره‌نگاری زیدیه، نقد دیدگاه امامیه

عموم سیره‌های زیدیه، مشروعیت امام زیدی و تنها تفاوت در سیره‌های زیدیه، شیوه‌های گوناگون تبیین و ایجاد مشروعیت برای آنها است به طور نمونه در سیره المنصور بالله قاسم بن علی تلاش حسین بن احمد بن یعقوب در طرح مشروعیت از طریق نسلی و از نسل امام یحیی بن حسین قرار می‌گیرد اما یحیی بن حسین در نگارش سیره الموید بالله احمد بن حسین، بدون استدلال مشروعیت از طریق نسل الهادی الی الحق یحیی بن حسین، مشروعیت را بر مبنای خصوصیت‌های خاص امامت همچون علم و زهد الموید بالله احمد بن حسین (یحیی بن حسین، ۹۵:۱۴۲۲) استوار می‌سازد.

تحول سیره و تک نگاری در قالب طبقات نگاری (۳۲۲ هجری)

در قرن چهارم هجری احمد بن ابراهیم دانشمند زیدی ساکن ری ایران، با نگارش کتاب المصابیح من اخبار المصطفی و المرتضی و الائمة من ولد هما، سنتی جدید در نگارش تاریخ زیدیه ایجاد کرد. او با بهره‌گیری از تک نگاری‌های قرن دوم و سوم و سیره‌نگاری پیشین، طبقات نگاری ائمه زیدیه را در سال ۳۲۲ هجری، جانشین دو روش تاریخ نگاری سابق کرد. هر چند احمد بن ابراهیم یا همان ابوالعباس حسنی بدلیل مرگ زود هنگام نتوانست شالوده پی ریزی شده اش را تمام کند (فواد، ۱۴۰۲: ۸۴). اما علی بن بلال آملی، به رسم شاگردی با نگارش تکمله المصابیح، طبقات نگاری احمد بن ابراهیم را به فرجام رسانید. ابوالعباس احمد بن ابراهیم با نگارش آثاری همچون شرح النصوص، شرح المنتخب و شرح احکام در فقه زیدیه کوشید و به تبیین تفاوت دیدگاه قاسم بن ابراهیم رسی با ابوحنیفه و شافعیان همت گمارد. ولی عمده شهرت او در جایگاه استادی سه دانشمند معروف زیدی به

در مبحث امامت است. در آغاز این سیره‌ها به احادیثی بر می‌خوریم که امامی را که در خانه می‌نشیند امام نمی‌داند به طور مثال استفاده از احادیثی منسوب به زید بن علی است که در سیره یحیی بن حسین آمده است و در آن کسی را که در خانه می‌نشیند و قیام نمی‌کند امام ندانسته است (علی بن محمد، ۲۷:۱۴۰۱). در آثار زیدیه به اخبار شاهدان همراه امام زیدی نیز تاکید می‌شود البته گاه با توجه به مقام مولف که کاتب رسمی امام نیز بوده از اسناد حکومتی نیز بهره برداری می‌گردد لذا علاوه بر خصوصیت تاریخی و وقایع نویسی، سیره‌نگاری به وجه عقیدتی و اخلاقی متمایل می‌گردد (علی بن بلال، ۱۴۲۳: ۴۷۳) به خصوص این رویکرد عقیدتی - اخلاقی در سیره‌هایی که پس از سیره یحیی بن حسین الرسی برای فرزندانش نوشته شده، یعنی سیره احمد بن یحیی و سیره محمد بن یحیی که توسط عبدالله بن عمر همدانی به نگارش درآمده (اللحجی، ۱۴۱۱: ۲۵۱) و سیره المنصور بالله قاسم بن علی (متوفی ۹ رمضان ۳۹۳) که حسین بن احمد بن یعقوب (فواد، ۱۴۰۲: ۸۳) آن را تألیف کرده قابل مشاهده است. بعداً همین شیوه سیره نگاری اخلاقی - عقیدتی بر زیدیان ایران نیز تأثیر گذار شد و هم در سیره حسن بن علی مشهور به ناصر اطروش و هم در سیره امام الموید بالله احمد بن حسین الهارونی نوشته المرشد بالله یحیی بن حسین جرجانی این موضوع دیده می‌شود (حمید بن احمد، ۱۴۲۳: ۴۱۰). دور از ذهن نیست جریان سیره نگاری زیدیه با تأثر کامل از نگاه کلامی و با رویکرد شکل‌گیری و تکوین پیروان زیدیه به شرح حال نویسی سیاسی امام به رسمیت شناخته شده، اقدام می‌کردند لذا در این سیره‌ها شرح حال امام از زمانی که امامت را متصدی شده، ذکر می‌گردد و اطلاعات بسیار محدودی از باب رویدادهای آن امام زیدی پیش از امامت آنها قابل دسترس است در واقع، عمود خیمه

نام‌های احمد بن یحیی هارونی و ابوطالب بن یحیی هارونی و ابو عبدالله داعی زیدی، معروف به اخوان است (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۱/۱۰۲). هر چند احمد بن ابراهیم در ناحیه ری ایران حضور داشت اما دور از ذهن نیست که با توجه به مقدمه المصابیح و مشترک بودن زادگاه علی بن بلال و احمد بن ابراهیم - آمل طبرستان - (احمد بن ابراهیم، ۱۴۲۳: ۴۸)، بی تاثیر در ارتباط علمی بین این دو دانشمند زیدی ایرانی نیست.

دیگر تاریخ نگار ایرانی - زیدی که در ری حاضر بود، عیسی بن محمد معروف به ابوزید است که نقش استادی را برای احمد ابراهیم داشت (یحیی بن حسین، ۱۴۲۲: ۱۰۴). ادامه خط تاریخ نگاری زیدی به وسیله او با محوریت کسب مشروعیت برای ائمه زیدیه و نفی بقیه مکاتب از جمله امامیه در مکتب تاریخ نگاری زیدیه ایران مورد مشاهده است. کتاب الاشهاد ابوزید عیسی بن محمد می کوشد به نفی غیبت و امامت شیعیان اثنی عشری همت گمارد ولی در این میان، دانشمندان امامیه نیز به این حرکت فرقه ای پاسخ می دهند، کتاب نقض الاشهاد، گواه تاریخی برای شیعیان امامیه و جوابیه عبدالرحمن بن قبه رازی به زیدیان است. کتاب الرد علی الرافض نوشته عالمی زیدی از جبال ایران (مدرسی، ۱۳۷۴: ۱۶۹) و منسوب به قاسم بن ابراهیم رسی یا کتاب الدعامه فی تثبی الامامه یحیی بن حسین هارونی همان هدف نفی امامیه را دنبال می کند.

احمد بن ابراهیم علاوه بر استفاده از ابوزید عیسی بن محمد در نگارش بخش سیره پیامبر المصابیح از سلمه بن فضل و ابراهیم بن سعد زهری به عنوان طریق گزارش بهره گرفته، هر چند تکیه اشخاص اخیر الذکر نیز به سیره ابن اسحاق است، ولی نحوه نگارش، نشان از بهره گیری از جنبه های کلامی زیدیه در تدوین تاریخ نگاری سیره پیامبر در المصابیح دارد. (احمد بن

ابراهیم، ۱۴۲۳: ۲۵۵) به نظر می رسد، بر خلاف نظر برخی از مستشرقین که طرح خلفای راشدین در المصابیح را نشان تأیید آنها توسط زیدیه می دانند (Kohlberg, 1976:98)، اما شرح خلفا به نحو مقدمه سلبی صورت گرفته، به ویژه که معاصرینی همچون الهادی و قاسم رسی خلافت خلفای راشدین را بر حق نمی دانستند و غضب فدک را نیز رد کرده اند (طبری، ۱۴۲۱: ۲۴۳). چگونگی تنظیم گزارش ها مربوط به دوران حکومت امام علی (ع) در مصابیح نیز حکایت از جریان ها کلامی زیدیان، در مورد امام علی (ع) و جدال عثمانیه و اهل حدیث در فتنه بودن دوران امام علی (ع) دارد. هر چند احمد بن ابراهیم از تک نگاری های مورخان عراقی در این زمینه بهره گرفته، اما منبع دست اول از عبید الله بن ابی رافع تحت عنوان تسمیه من شهد مع علی فی حروبه من المهاجرین و الانصار (ابن ندیم، ۱۳۹۳: ۱۶۶) است. او در نقل فضائل و حقانیت امام علی (ع) به جنگ جمل پرداخته که همچنان زاویه نگاه زیدیه او را می توان در بهره گیری از نوشته سیف بن عمر تمیمی در خصوص جنگ جمل مشاهده کرد. وقعه الصفین نصر بن مزاحم منقری به حسب اتکاء به الصفین جابر بن یزید جعفی و اشتمال کامل بر حوادث و گرایش های شیعیانه نویسنده، مهمترین منبع احمد بن ابراهیم در نقل نبرد با قاسطین است (احمد بن ابراهیم، ۱۴۲۳: ۴۲۳)، هر چند همزمان به تک نگاری های ابومخنف لوط بن یحیی ازدی (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۲۱) نیز توجه می نماید. احمد بن ابراهیم پس از مقتل محمد بن ابوبکر و مقتل الحسین تلاش کرد با استفاده از تلفیق گزارش ها تاریخی منقول از نزدیکان بلاواسطه زید بن علی، موضوع مشروعیت زیدیه و انتساب این مکتب به زید بن علی را با اهمیت خاص تبیین نماید (یحیی بن حسین، ۱۴۲۲: ۱۶۶). هر چند درگذشت احمد بن

تاریخ فرقه ای باشد کما اینکه همین شیوه طبقات نگاری، در اثر بعدی یعنی الافاده فی تاریخ الائمه الساده قابل مشاهده است (یحیی بن حسین، ۱۴۲۲: ۱۰۰) که در آن یحیی بن حسین همان روش احمد بن ابراهیم و علی بن بلال را دنبال نموده است (فواد، ۱۴۰۲: ۹۲). تبدیل مذهب یحیی نیز یکی از مصادیق کوشش زیدیه ایران در تغییر مذهب امامیه به زیدیه است. عمق تاثیر روش و منش احمد بن ابراهیم بر یحیی تا آنجا بود که آموخته‌های پدرش حسین را که از دانشمندان امامیه بود رها کرد و به درس و مکتب زیدی احمد بن ابراهیم پیوست.

دقت در موارث زیدی به جا مانده از این عالم ایرانی نظیر: الدعامة فی تثبیت الامامة^۲، شرح البالغ، التحریر فی الکشف عن النصوص و شرح الاصول نشان می‌دهد او میراث دار علمی امامیه، از طریق پدرش بود که آن را در قالب فقه و کلام زیدیه تحریر کرد (یحیی بن حسین، ۱۴۲۰: ۴۳). در سال ۴۱۱ هـ با یحیی بن حسین^۳ به عنوان امام زیدی ایرانی بیعت کرد و پس از سیزده سال در آمل ایران در گذشت و همان جا به خاک سپرده شد (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۱۰۲).

یحیی در الافاده، ابتدا شرح حال مجملی به همراه فهرست اسامی امامان زیدی آورده، اشاره می‌کند که ابتدا مایل بوده شرح مفصلی از احوال علویان قیام کننده یا مبیضه را در یک اثر تحت عنوان الحدائق فی اخبار ذوی السوابق بنگارد ولی اشتغال کاری و کمی وقت به ویژه در بخش احوال امام حسین (ع) باعث تلخیص اثر، تحت عنوان مختصر الافاده گشته است. اما روش تاریخ نگاری او منحصر به شرح احوال علویانی است که در سنت زیدیه به عنوان امام شناخته می‌شوند (یحیی بن حسین، ۱۴۲۲: ۱۸).

برجسته سازی در ارائه تاریخ زیدیان ایران و بویژه طبرستان از جمله تفاوت های الافاده نسبت به

ابراهیم، باعث شد کتاب المصاییح تا بخش ابتدایی قیام یحیی بن زید بیشتر نگارش نشود، اما رجوع زیدیان ایران به علی بن بلال و تقاضای کامل نمودن کار نیمه تمام احمد بن ابراهیم، باعث شد علی بن بلال در مقام شاگرد برجسته احمد بن ابراهیم، تاریخ قیام دیگر نخبگان زیدی را در قالب تتمه المصاییح به فرجام برساند (علی بن بلال، ۱۴۲۳: ۴۱۴). ویژگی بارز این بخش تاریخ نگاری توسط عالمان زیدی ایرانی توجه کامل به اندیشه مهدویت درباره یحیی بن زید و رسائل او در شناسائی عقاید زیدیان قرن دوم و ماهیت مقام امامت از نگاه زیدیه است. همچنین تکیه تتمه المصاییح در قیام شهید فخر و ابوالسرایا بر مدائنی و نصر بن مزاحم منقروی است (علی بن بلال، ۱۴۲۳: ۵۵۳). علت حجم مطالب فراوان علی بن بلال در خصوص قیام الهادی الی الحق، به رسمیت شناختن قیام او در بین زیدیان ایران است به ویژه آنکه پس از تاسیس دولتش در یمن آرای فقهی او در بین زیدیان ایران و به ویژه طبرستان ترویج می‌شد (علی بن بلال، ۱۴۲۳: ۵۹۷).

نگارش این مطالب در واقع، وقایع نامه رسمی ایام حکومت الهادی را گزارش می‌کند. همان طور که سیره احمد و الناصر فرزند الهادی با تکیه بر تک نگاری عبدالله بن عمر همدانی نگارش یافته اما در پایان، انتقال امامت زیدیه به ایران هدف گذاری شده است و علی بن بلال کوشیده استوار سازی امامت زیدیه را در ایران با امامت حسن بن علی الاطروش تبیین نماید (علی بن بلال، ۱۴۲۳: ۶۰۶). به نظر می‌رسد نگاه خاص تاریخ نگاران زیدی ایران نظیر احمد بن ابراهیم یا علی بن بلال باعث شود، ناپیوستگی در ذکر رویدادهای تاریخی و تنها ذکر حوادث مربوط به قیام ائمه زیدی، ویژگی بارز سنت طبقات نگاری زیدیه تلقی شود و این محصول نوع نگاه به حوادث در پرتو قیام رهبران زیدی و چشم انداز ائمه آنها به تاریخ، تحت عنوان

المصاییح است. در این راه، یحیی بن حسین از گزارش‌ها ابراهیم بن هلال بهره برده و کوشیده است تا کون مذهب فقهی زیدیه ایرانی در گیلان و دیلمان را با محوریت ابو عبدالله المهدی بررسی کند (یحیی بن حسین، ۱۴۲۲: ۱۹۰). در بین زیدیان ایرانی ابتدا نظر فقهی قاسم بن ابراهیم توسط جعفر بن محمد نیروسی گسترش یافت اما از زمان ناصر اطروش دیدگاه فقهی جدیدی در برابر دیدگاه فقهی قاسمیه به وجود آمد و طرفدارانی را به ویژه در گیلان به خود جذب کرد. مادلونگ کوشیده است از طریق اثر رساله الطبریین قاسم، وجود مکتب فقهی قاسمیه را در بین زیدیان ایران بررسی کند (Madelung, 1967: 87). مطلب او با در نظر گرفتن حضور الهادی الی الحق در ایران و سپس همراهی عده‌ای از زیدیان ایران در سفر او به یمن و کمک کردن زیدیان ایران در به قدرت رسیدن الهادی در یمن (یحیی بن حسین، ۱۴۲۲: ۱۰۷) تکمیل می‌شود. از طرف دیگر، مادلونگ معتقد است منازعات زیدیان ایرانی تا سال‌ها بعد در مسائل فقهی ادامه داشته است (Madelung, 1967: 488) اما به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن نقش ابو عبدالله المهدی در رواج دادن نظریه مصاب بودن مجتهدان زیدی که یحیی بن حسین نیز به آن اشاره دارد (یحیی بن حسین، ۱۴۲۲: ۱۴۸)، موضوع تجمیع فقهی بین زیدیان قاسمیه و ناصریه به انجام رسیده است. جامع‌ترین اثر در تداوم سنت طبقات نگاری زیدیان کتاب الحدائق الوردیه فی مناقب ائمه الزیدیه نگارش یافته در ۶۵۲ هجری است. حمید بن احمد در این کتاب، تاریخ زیدیه را از زندگانی پیامبر (ص) تا ایام امامت امام معاصر زیدی خودش یعنی عبدالله بن حمزه نقل کرده و در نگارش الحدائق از اصول علمی دو دانشمند زیدی ایرانی که مدتی در یمن حضور یافتند، یعنی مرتضی بن سراهنگ و زید بن احمد بیهقی بهره برداری

کرده است (حمید بن احمد، ۱۴۲۳: ۱۴۶/۲). این دو عالم بخشی از میراث زیدیه خراسان را به یمن منتقل کردند (فواد، ۱۴۰۲: ۲۶۴). قبل از آنها نیز در جریان انتقال میراث مکتوب زیدیه ایران به یمن، عمده‌ترین نقش مربوط به تاج الدین بن حسن بروقی است که مجموعه عظیم و نفیسی از منابع زیدیه ایران را به یمن منتقل کرد و در جمادی الاول سال ۵۴۱ هـ ق مورد استقبال احمد بن سلیمان و جانشین ابوالفتح دیلمی، مهاجر ایرانی که امامت زیدیه یمن را بر عهده داشت، قرار گرفت (الموید بالله، ۱۴۲۱: ۱/۲۷۳) اما نباید تاثیر احمد بن ابی الحسن اردستانی را در جریان انتقال این آثار فراموش کرد. ملاقات او با تاج الدین بروقی در مسیر هجرت و در ری باعث افزون سازی آثار منتقل شده گشت. کما اینکه پس از استقرار تاج الدین بن حسن و تدریس در کنار مزار الهادی در صعده یمن، برخی از نخبگان زیدی یمن نظیر؛ شمس الدین بن احمد مسوری^۴ توسط تاج الدین بروقی، به ایران و نزد احمد بن ابی الحسن اردستانی در ری فرستاده شدند (الموید بالله، ۱۴۲۱: ۱/۷۷۴).

برخی از آثار نیز به درخواست دانشمندان زیدی یمنی از عالمان زیدی ایرانی به یمن ارسال شده است. به طور نمونه سیره الناصر توسط یوسف بن ابی الحسن گیلانی از ایران و به درخواست عمران بن حسن عذری در ابتدای قرن هفتم به یمن فرستاده شد و همین کتاب به همراه المراتب بستی از منابع حمید بن احمد در نگارش الحدائق بوده است (حمید بن احمد، ۱۴۲۳: ۱۱۳).

همان طور شرح حال تفضیلی زیدیان ایران در الحدائق، تحت عنوان زیدیان خزری متکی بر الافاده و سیره المهدی که شرح حال محمد بن حسن، امام زیدی ایرانی بعد از اطروش بوده، آمده است (حمید بن احمد، ۱۴۲۳: ۱۵۰) المراتب بستی به ویژه در تدوین

با آنچه در جلاء الابصار دیده می‌شود، یکسان است (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۱۰۱؛ حاکم جشمی، ۱۳۸۰: ۸۹). احمد بن سعد الدین مسوری نیز در ابتدای قرن یازدهم (۱۰۷۹هـ ق) در نگارش تحفه الابرار، از جلاء الابصار و دیگر کتاب ابو سعد بن کرامه یعنی السفینه الجامعه و نامه یوسف بن ابی الحسن گیلانی بن حسن به ناصر عذری، که حاوی شرح حال تاریخی امامان زیدی ایرانی است، بهره برده است (الموید بالله، ۱۴۲۱: ۲/ ۸۳۹).

تداوم این سنت طبقات نگاری زیدیه، متکی بر آثار برشمرده و به ویژه الحدائق که در سال ۶۵۲هـ نگارش یافته، در قرون بعدی و در قالب جواهر، اللواحق الندیه و جلاء الابصار به منصفه ظهور می‌رسد.

نتیجه

سیره‌نگاری امامان زیدیه، تحول شاخص سنت تاریخ‌نگاری کوفه و حجاز است. پس از نگارش سیره یحیی الهادی الی الحق نوعی نگارش نهادینه سیره درباره ائمه زیدیه قابل مشاهده است.

آثار دانشمندان ایرانی نظیر؛ ابوالفتوح دیلمی که تا امامت زیدیان یمن پیش رفت، زید بن حسن بروقنی، زید بن احمد بیهقی و مرتضی بن سراهنگ، در تجدید حیات تاریخی زیدیان یمن تاثیر گذاشت. آنها با نگارش کتاب و مهاجرت به یمن چنین نقشی را ایفا کردند و زید بن احمد و مرتضی هر دو در انتقال میراث زیدیه خراسان به یمن نقش مهمی داشتند و تاج الدین بن حسن بروقنی میراث عظیم و نفیسی از منابع زیدیه ایران را به یمن منتقل کرد.

طبقات نگاری زیدیه نیز از تلفیق تک نگاری و سیره‌نگاری با زمینه کلامی و فارغ از پیوستگی رویدادهای تاریخی بروز یافت اما تعدادی از این آثار

بخش فضائل امام امیرالمومنین (ع) و علویان، از منابع الحدائق است (اسماعیل بن احمد، ۱۴۲۱: ۱۴). همچنین تفصیلی در شرح سیره الموید بالله در الحدائق آمده که متکی بر نوشته‌های تاریخی یحیی بن حسین، امام زیدیان ایران است (حمید بن احمد، ۱۴۲۳: ۱۶۴). اما شرح دیگر امامان زیدی ایرانی، نظیر: علی بن جعفر حقیقی، ابو عبدالله بن حسین هوسمی و ابوطالب الخیر که حسین بن هادی را با تعدادی از کتاب‌های زیدیان ایران روانه یمن کرد، به اختصار بیان شده است (حمید بن احمد، ۱۴۲۳: ۲۱۸). دیگر موارد مکتوب حمید بن احمد عبارتند از: محاسن الازهار فی مناقب الائمة، عمدہ المسترشدین، نصیحه الولاه که کتاب اخیر در امور حسبه (فواد، ۱۴۰۲: ۱۲۸) به نگارش درآمده است.

تحقیق در تاریخ طبرستان، دیلم و ری بی نیاز از آثار مکتوب تاریخی زیدیان نیست که آن هم براساس روش سیره‌نگاری نوشته شده است. بر خلاف نظر برخی از محققین مبنی بر لزوم تلفیق بین سیره نگاری و تک نگاری در تاریخ زیدیه (رحمتی، ۱۳۸۴: ۵۱) می‌توان هر دو شیوه تک نگاری، و سیره نگاری را در قالب هم و بدون تلفیق در جهت مشروعیت بخشی به امامت امامان زیدی مشاهده کرد. کما اینکه محمد بن علی زحیف در قرن دهم کتاب اللواحق الندیه و جواهر را بر اساس الحدائق و متکی بر مشروعیت دهی به امامان زیدی به رشته تحریر در آورد (فواد، ۱۴۰۲: ۱۹۶).

زیدیان دیگر مناطق ایران نظیر خراسان و نیشابور نیز پیرامون شکل گیری طبقات نگاری و مشروعیت بخشی امامان زیدی، موثر بوده اند. ابوسعید محسن بن کرامه جشمی نیشابوری با نوشتن جلاء الابصار فی احوال ائمه الزیدیه از این نمونه است. به نظر می‌رسد ابن اسفندیار در کتاب تاریخ خودش توانسته از کتاب جشمی استفاده کند چرا که شرح حال دو امام زیدی ایرانی، الموید بالله و الناطق بالله در تاریخ ابن اسفندیار

- اسلامیه.
- ابن شبه، ابوزید النمیری البصری (۱۴۱۰هـ ق) **تاریخ المدینه المنوره**، تحقیق فهیم محمد شلتوت، قم: دارالفکر.
- ابن طقطقی (۱۴۱۸هـ ق) **الاصیل فی انساب الطالبیین**، تحقیق سید مهدی رجایی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن ندیم (۱۳۹۳ق) **الفهرست**، تحقیق رضا تجدد، تهران: انتشارات مروی.
- احمد بن ابراهیم (۱۴۲۳ هـ ق) **المصاییح**، تحقیق عبدالله بن عبدالله بن احمد الحوثی، صنعاء: موسسه امام زید بن علی الثقافیه.
- اشعری، علی بن اسماعیل (۱۴۰۰ هـ ق) **مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین**، قم: جامعه مدرسین.
- اللججی، مسلم بن محمد بن جعفر (۱۴۱۱هـ ق) **سیره الامام احمد بن یحیی الناصر لدین الله**، تحقیق ویلفرد مادلونگ، بی جا، صنعاء.
- الموید بالله (۱۴۲۱هـ ق) **طبقات الزیدیه الکبری**، تحقیق عبدالسلام بن عباس الوجیه، عمان: موسسه الثقافیه.
- انصاری، حسن (۱۳۷۹هـ ق) **ابوزید علوی و کتاب او در رد امامیه**، معارف، ۱۷ / ۱ : ۱۲۵ تا ۱۲۹.
- آذرنوش، آذرتاش و بهرامیان، علی (۱۳۷۳هـ) **ابوالفرج اصفهانی، دائره المعارف بزرگ اسلامی**، ۶: ۱۲۶ تا ۱۳۸.
- بستنی، اسماعیل بن احمد (۱۴۲۱هـ ق) **المراتب**، تحقیق محمد رضا انصاری، قم: انتشارات دلیل.
- حاکم جشمی، محسن بن کرامه (۱۳۸۰) **جلاء الابصار فی متون الاخبار**، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- حسن، ناجی (۱۴۲۱هـ ق) **ثوره زید بن علی**،

طبقات نگاری بانگاه فرقه‌ای مبتنی بر نفی امامیه نگاشته شد که دانشمندان ایرانی امامی همچون ابن قبه رازی آن را بی پاسخ نگذاشتند. به سانی که احمد بن ابراهیم زیدی ساکن ری با نگارش **المصاییح**، طبقات نگاری ائمه زیدیه را ابداع نمود.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- دوره خلافت عباسی به چهار دوره متداول تقسیم می‌شود: ۱) از ابتدای تأسیس (۲۳۲ تا ۱۳۲هـ ق) مرگ واثق ۲) از مرگ واثق تا تسلط آل بویه بر بغداد (۳۳۴-۲۳۲هـ ق) ۳) از آل بویه تا ورود طغرل بیگ سلجوقی (۴۴۷-۳۳۴هـ ق) ۴) از حکومت سلاجقه تا هجوم مغول به بغداد ۴۴۷-۶۵۶ هـ ق. رک به کتاب دولت عباسیان، محمد سهیل طقوش، ترجمه حجت جودکی: ۲۸.
- ۲- عده‌ای این کتاب را منسوب به صاحب بن عباد دانسته‌اند (حسن، ۱۴۲۱: ۱۰)
- ۳- برخی از زیدیان علاوه بر قیام به سیف، نسب را نیز در امامت موثر می‌دانستند. به طور مثال عده‌ای از پیروان یحیی بن حسین، امامت قاسم بن علی را چون از نسل عمومی الهادی بود، قبول نداشتند (طبری، ۱۴۲۱: ۱۷۲).
- ۴- مسوری خود در بازگشت، برخی از منابع زیدی موجود در جبال، ری و طبرستان را که بین قرن دوم تا هفتم نگاشته شده، به یمن منتقل کرد. او در حذف اعتقاد به تطریف و اعتزال در یمن موثر بوده است (الموید بالله، ۱۴۲۱: ۱/۲۷۸).

منابع

الف) کتاب‌ها

- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۳۸۵هـ ق)، **مقاتل الطالبیین**، تحقیق کاظم مظفر، نجف: المکتبه الحیدریه.
- ابن اسفندیار، بهاء الدین محمد بن حسن (۱۳۲۰هـ ق) **تاریخ طبرستان**، تصحیح عباس اقبال، تهران:

- بیروت: الدار العربیه للموسوعات.
- حکیمیان، ابوالفتح (۱۳۴۸هـ ق) **علویان طبرستان**، تحقیق در احوال، آثار و عقاید فرقه زیدیه ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- حمیدبن احمد (۱۴۲۳هـ ق) **الحدائق الوردیه فی مناقب ائمه الزیدیه**، تحقیق مرتضی بن زید الحسنی، صنعاء: مکتبه بدر.
- رازی، احمد بن سهل (۱۹۹۵م) **اخبار فخر و خبریحی بن حسین**، تحقیق ماهر جرار، بیروت: دارالغرب.
- رحمتی، محمد کاظم (۱۳۸۴هـ ق) **شکل گیری و تکوین تاریخ نگاری زیدیه**، مطالعات تاریخی، دانشگاه فردوسی مشهد: ص ۶۰-۳۷.
- زعین العانی، حسن فاضل (۱۴۰۳هـ ق) **سیاسه المنصوری جعفر الداخلیه و الخارجیه**، بغداد: دارالرشید.
- طبری، احمد بن موسی (۱۴۲۱هـ ق) **المنیر علی مذهب الامام الهادی الی الحق یحیی بن الحسین علیهما السلام**، تحقیق علی سراج الدین عدلان، بیروت: مرکز اهل البیت (ع) للدرسات الاسلامیه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۰م) **تاریخ الرسل و الملوک**، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالمعارف.
- طقوش، محمد سهیل (۱۳۸۰ش) **دولت عباسیان**، مترجم حجت الله جودکی، قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- علی بن محمد بن عبیدالله (۱۴۰۱هـ ق) **سیره الهادی الی الحق یحیی بن الحسین علیه و آله السلام**، تحقیق سهیل زکار، بیروت: دار الفکر.
- علی بن بلال (۱۴۲۳هـ ق) **تمه المصاییح**، تحقیق عبدالله بن عبدالله احمد الحوثی، صنعاء: موسسه الامام زیدبن علی الثقافیه.
- فواد، ایمن (۱۴۰۸هـ ق) **مصادر تاریخ الیمن فی العصر الاسلامی**، قاهره: المعهد.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۵) **الکافی**، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- مادلونگ، ویلفرد (۱۹۸۷م) **اخبار ائمه الزیدیه فی طبرستان و دیلمان و جیلان**، بیروت: المعهد الشرقیه.
- مدرسی طباطبایی، سید حسین (۱۳۷۴) **مکتب در فرایند تکامل، نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین**، ترجمه هاشم ایزدپناه، نیوجرسی: انتشارات داروین.
- مدرسی طباطبایی، سیدحسین (۱۳۸۳) **میراث مکتوب شیعه**، ترجمه رسول جعفریان، قم: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷هـ ق) **الرجال**، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم: جامعه مدرسین.
- یحیی بن حسین (۱۴۲۴هـ ق) **سیره الامام الموید بالله احمد بن الحسین الهارونی**، تحقیق صالح عبدالله قربان، صنعاء: موسسه امام زید بن علی الثقافیه.
- یحیی بن حسین (۱۴۲۲هـ ق) **الافاده فی تاریخ الائم الساده**، تحقیق ابراهیم بن مجد الدین بن محمد المویدی، صعده: مرکز اهل البیت للدرسات الاسلامیه.
- یحیی بن حسین (۱۴۲۲هـ) **تیسیر المطالب فی امالی ابی طالب**، قاضی جعفر بن احمد بن عبدالسلام، تحقیق عبدالله بن حمود العزی، صنعاء: موسسه الامام زید بن علی.

ب) منابع لاتین

-Berg, H, (2000), **The Development of Exegesis in Early Islam**, London.

- Cook, M., (1997),**The Opponents of the Writing of Tradition in Early Islam**, Berlin.
- Kohlberg,E., (1976) **Some Zaydi Views on the Companions of the prophet**, African Studies, Wisbaden.
- Madelung,W., (1967) ,**The Alid Rulers of Tabaristan, Deylaman and Gilan**, New York.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی